



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۰۶ اگست ۲۰۲۲

حمید انوری

تجلیل از پیروزی

رو سیه تاریخ نهم ماه می را به نام روز پیروزی بر فاشیزم، همه ساله تجلیل میکند، پیروزی بر فاشیزم هیتلری. " در ۹ مه ۱۹۴۵ آلمان نازی بدون قید و شرط تسلیم اتحاد جماهیر شوروی، امریکا، انگلیس و فرانسه شد." گوگل

پس آن پیروزی در جنگ دوم جهانی و جنگ در مقابل آلمان نازی، تنها و تنها پیروزی رو سیه شوروی وقت نبود، بلکه پیروزی امریکا و انگلیس و فرانسه نیز بود که از متحدین رو سیه در آن جنگ بودند و بدون اشتراک و اتحاد این نیرو ها، شکست نیروهای نظامی آلمان نازی، در هیچ صورت متصور نبود. اما چرا فقط روسیه آن پیروزی را جشن میگیرد و آن پیروزی را فقط از آن خود قلمداد میکند؟! (خود بزرگ بینی و غرور بیجا)

آنچه امروز عساکر و قوای نظامی رو سیه در کشور مستقل اوکراین انجام میدهند، هیچ تفاوتی با عملکرد نازی های هیتلری ندارد. در این بازی های سیاسی کثیف، فقط و فقط آلمان نازی جای خود را به رو سیه شوروی گذاشته است و پوتین جای هیتلر را گرفته است، اینبار اما امریکا و فرانسه و انگلیس، از متحدین اوکراین به شمار میروند و رو سیه در میدان تجاوز و جنایت تنهای تنها است و شکست حتمی هم از آن روسیه است.

تجاوزگران روسی بهتر بود تا از شکست فاحش و مفتضحانه عساکر متجاوز شان در افغانستان درس عبرتی میگرفتند، که نگرفتند. آیا بهتر نبود بجای تجلیل از نهم می، به شکست جنگ تجاوزگرانه تان به چپن می پرداختید؟

"... **جنگ نخست روسیه - چین، مجموعه درگیری های نظامی میان فدراسیون روسیه و جمهوری چین ایچکریا که از دسامبر ۱۹۹۴ تا اوت (اگست) ۱۹۹۶ در جریان بود. بعد از درگیری های اولیه سال های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۵ و نبرد خونین گروزی نیروهای فدرال روسی**

تلاش کردند تا کنترل خود را بر مناطق کوهستانی چچن بیشتر کنند اما با وجود برتری نظامی روس ها از نظر تعداد نیروی انسانی، نیروی هوایی و آتش توپخانه ای، توسط چریک های چچنی مجبور به عقب نشینی شدند. این اقدام باعث تضعیف جدی روحیه نیروهای فدرال شد و نارضایتی عمومی مردم روسیه را در پی داشت به طوری که بوریس یتسین، رئیس جمهور روسیه، مجبور به اعلام آتش بس شد و در سال ۱۹۹۶ معاهده صلح روسیه-چچن را امضا کرد.

آمار رسمی تلفات ارتش (اردو) روسیه ۵'۷۳۲ نفر می باشد این در حالیست که بسیاری این عدد را ۳'۵۰۰ الی ۷'۵۰۰ و در برخی مواقع حتی تا ۱۴'۰۰۰ تن نیز تخمین می زنند. آمار (ارقام، احصائیه) دقیقی از تعداد تلفات جناح چچنی در دست نیست و منابع مختلف این تعداد را ۳'۰۰۰ الی ۱۷'۳۹۱ کشته یا مفقود تخمین می زنند. منابع مختلف تلفات غیرنظامیان را ۳۰'۰۰۰ الی ۱۰۰'۰۰۰ کشته و نزدیک به ۲۰۰'۰۰۰ مجروح تخمین می زنند با این وجود چیزی بالغ بر ۵۰۰'۰۰۰ تن بر اثر این جنگ مجبور به مهاجرت اجباری و ترک شهرها و روستا های ویران خود شدند. "ویکی پدیا



کشمار توسط تجاوزگران روس در چچن* کشمار توسط تجاوزگران روسی در اوکراین

چرا روسیه از این شکست های خجالت آور هیچ درس عبرتی نگرفت و به تجاوزگری و نظامی گری و قتل و کشتار و وحشت و بربریت خود همچنان ادامه داد؟ اگر قبول کنیم که اتحادیه اوپا و امریکا و متحدین ناتو، روسیه را در حالت جنگ و تجاوز قرار دادند، پس چرا روسیه، جهت قدرت نمائی خود به کشور مستقل اوکراین تجاوز کرد؟ گناه مردم مظلوم اوکراین در این میانه چه بود؟

در حقیقت تمام این جنایات وحشت آور را کارتل های اسلحه سازی در شرق و غرب به عهده دارند و مردم عام باید قربانی این سوداگران مرگ شوند تا بازار فروش سلاح همچنان گرم باقی بماند و روسیه بصورت مستقیم، مسؤل اینهمه جنگ افروزی است و پوتین که بیشتر از ۲۰ سال می شود به سرزمین روسیه حکومت می کند و یک حکومت خشن نظامی را بر مردم روسیه تحمیل کرده

است، هیچ تفاوتی از ستالین و هیتلر ندارد و جای شکرش باقیست که او به مرض مدهش سرطانی مبتلا است و دیر یا زود میمیرد و روسیه و منطقه و جهان از گند او رها خواهند شد و امید است روس ها از چاله و به چاه نیفتند و کدام پوتین یا پوستین چرک دیگر را مقابل نشوند. دنیا امروز به صلح و ثبات و دوستی بنا یافته است و جنگ افروزان و جنگ آوران و جنگجویان را باید و باید به گورستان تاریخ سپرد تا جهان واقعاً به یک دهکده صلح مبدل گردد و دیگر صدای ناهنجار گلوله و انفجار و انتحار و توپ و تانک و طیاره و...، خواب خوش هیچ کودکی را در روی کره ارض مختل نسازد و هر کشور و هر مردمی بتوانند تصمیم بگیرند که چگونه می خواهند زندگی کنند. دیگر دوران پوتین ها و بایدن ها و خامنه ئی ها و جنرالان و ملایان و ...، به سر رسیده است که برای مردم سیستم سیاسی- نظامی تعیین نمایند و یا هم با زور و سرنیزه و تازیانه و دار، مردم را به بهشت موعود رهنمون گردند و...

همین تجاوز ددمنشانه روسیه به اوکراین و قتل عام مردم بی گناه آن و تخریب سیستماتیک یک کشور، نه تنها باعث فاصله گرفتن اوکراین از ناتو نگردید، بلکه بیشتر و بیشتر آن کشور را دو دستی به دهان ناتو انداخت و علاوه بر آن کشور های فنلند و سویدن هم مجبور ساخته شدند تا از خطر تجاوز احتمالی روسیه، درخواست پیوستن به ناتو نمایند. قرار معلوم، روسیه، آهسته آهسته به انزوا کشانیده می شود و اینهمه از سیاست های توسعه جویانه مقامات کرملین سرچشمه می گیرد که دکتورین تزار ها تا برژنف ها را دنبال میکنند و جهان را به آشوب می کشانند و در اخیر همین روسیه فعلی هم، پارچه پارچه خواهد شد و جهان یک قطبی خواهد گردید و خطرات آن تنها و تنها به پوتین روسی و سیاست های تفوق جویانه و تجاوزگرانه کرملین برمیگردد.

اینکه رجب طیب اردوغان مخالفت شدید خود را از پیوستن فنلند و سویدن به ناتو ابراز داشته و در مورد تجاوز روسیه به اوکراین خاموشی اختیار نموده است، فقط از ترس محاصره شدن ترکیه توسط ناتو و نیز زد و بند های پنهانی اردوغان با پوتین سرچشمه میگیرد که شاید به نفع ترکیه تمام نشود. اتحاد اردوغان- پوتین به منزله اتحاد دو جنایتکار جنگی راست و چپ است که هرگز برای مردم آن کشور ها، صلح و ثبات و خوشبختی به ارمغان نخواهد آورد و عملکرد اردوغان درست به منزله کلوخ گذاشتن و از آب گذشتن است.

در این روزگار سردرگمی و بی برنامگی، پوتین جنایت گستر به دست بوسی خامنه ئی جنایت پیشه به تهران میرود و قاتلان با زیرپا کردن قرآن، تلاش میکنند تا چهار روز دیگر به زندگی طفیلی

شان بیفزایند و در حقیقت ماهیت اصلی خود را به نمایش گزارند. دو دیکتاتور همدیگر را در آغوش می کشند و خلق خدا را از دم تیغ عداوت و رزالت خود میکشند و دنیا هم نظاره گر است.

و اما از اینها که بگذریم و برگردیم به کشور آبائی خود و هموطنان خود، با درد و دریغ اینجا و آنجا مشاهده میکنیم که تعداد قلیلی از هموطنان ما هنوز هم به تمام مظالم، خونریزی ها، کشتار ها و ددمنشی های تجاوزگران روسی و احساس نمودن آن با پوست و گوشت و استخوان و...، هنوز هم دیده به دانسته به یک نوع یا نوع دیگر با ترفند های متفاوت، سنگ تجاوزگران روسی را به سینه زده و در صدد دفاع از روسیه و تجاوز روسیه به اوکراین برآمده و در یکی دو سایت نیز نوشته های نویسنده های نام دار و گمنام روسی را که در بدل یک مشت روبل، سیه را سپید جلوه میدهند و...، از اینجا و آنجا کاپی کرده و در حقیقت مرتکب سرقت ادبی یا مطبوعاتی میگردند و حتی به خود زحمت هم نمی دهند که آن ترجمه های فرمایشی و فرسایشی را که از سایت های مختلف کاپی میکنند، از فارسی آخندی به دری اصیل افغانستان اصلاح نمایند و...، پس کمال این گونه افراد فقط باید در همین باشد که انترنت گردی و گوگل پالی نمایند و نوشته های مورد تائید شانرا پیدا نموده، کاپی نموده و در سایت مورد نظر خود، به نام نامی خودها، انتشار دهند، اگر دل تنگ شان بعضاً خواست، در اخیر همان کاپی، در صفحه دهم یا یازدهم و یا هم در قسمت دوازدهم یا پانزدهم آن بصورت بسیار کوچک در یک کنج صفحه آخر تذکر دهند که نوشته متذکره از کجا کاپی شده است و نویسنده آن کی یا کیها اند، و این در حالیست که خواننده در ده یا دوازده قسمت قبلی هرگز موفق نشده است تا منبع و مایخذ را دریافت نموده و قضاوت کند.

این نوع نوشته های قراردادی که فقط جهت مطرح ساختن نام نویسنده یا نقل صورت میگیرد، در قسمت زندگی نامه نویسی نیز در جریان است و در بعضی مسائل دیگر نیز اوضاع و احوال از همین قماش است. در این قسمت، یک حصه کوچک از همچو نوشته هائی را صرف جهت معلومات می آورم تا هموطنان خود قضاوت فرمایند.

"مقدمه درباب کمپانی هند شرقی انگلیس"

... تا اندازه ای مسلم است که هند را می توان دنباله رو و پیرو تمایلات ضد اسلامی جهان شرک گرفت. (منظور نویسنده اصلی که معلوم نیست، از این جمله واضح نیست.) ... نیمی از جمعیت بالقوه ی(ای) هند مسلمان بوده اند، چنان که اگر امروز... نیمه ی(ای) غیر مسلمان هند... فقر و بی نوایی خود را نتیجه ی(ای) آمدن انگلیسی ها می شمردند... کاپی کننده حتی به خود زحمت نداده است تا ی(ی) آخندی را به(ای) دری تبدیل نماید که فراوان در همین نوشته وجود دارد و اصلاح نگردیده،

فارغ از اینکه نویسنده مضمون، از ابتدا تا همین قسمت دوازدهم، سخت تلاش ورزیده است تا به جنگ میان مسلمان و هندو و یا هم پاکستان و هندوستان دامن بزند و در حقیقت وظیفه داشته است تا مسبب جنگ مسلمان با غیر مسلمان گردد که خود در نوع خود یکی از سیاست های انگلیس های توطئه گر در منطقه است.

... چهره های بزرگ شده تا چه اندازه در اختیار لندن بوده اند.. (بزرگ شده یعنی چه؟)... بل شگردی یهودی - انگلیسی برای بی اثر کردن ملتی... (شگردی اصطلاح آخذی ایران است، کاش کاپی کننده، اصطلاح دری آنرا نیز علاوه می کرد که نکرده)... شایع شد قطار فشنگ (گلوله) های جدیدی که به همراه این تفنگ های جدید می دهند... و اما کاپی کننده، "خشاب" را به (شاجور) اصلاح کرده است که در نوع خود قابل تقدیر است. تا اینجا قسمت دوازدهم و صفحه سوم بود که از "ی" بدون "الف" تنها در همین سه صفحه قسمت دوازدهم به وفرت و جود دارد و هیچکدام به (ای) دری اصلاح نگردیده است. قابل ذکر است که این نوع ادبیات آخند را تعدادی از هموطنان ما آگاهانه یا ناآگاهانه تعقیب، دنبال و پیروی میکنند. میرویم به صفحات بعدی...

از مابقی اصطلاحات فارسی آخذی در این مضمون صرف نظر میکنیم چون ضیاع وقت است و ره بجائی نمی برد، اما در اخیر این قسمت به این جمله نویسنده که معلوم می شود از گماشتگان مکار انگلیس است، توجه کنید که در مورد قتل نامردانه گاندی چنین می نویسد "... **سرانجام با شلیک سه گلوله از سوی انقلابیون هند پاسخ گرفت.**" حال خواننده آگاه و بینا و دانا خود قضاوت کند که با تمام توجیه و تفسیر و شرح و بسط این نوشته مطول که گاهی از ده در آن سخن رفته است و گاهی هم از درختان ده، قتل نامردانه گاندی را "**انقلابی**" عنوان میکند و چند بی خبر از دنیا هم آنرا با سادگی هضم میکنند، بدون آنکه اندکی هم در مورد درنگ نموده و آنرا تول و ترازو کنند. به نظر این کمترین که شکر خدا تمام دوازده قسمت را نخوانده و وقت خود را هدر نداده ام، همین جمله بالا کافی است تا مکنونات کثیف قلبی نویسنده آنرا دانست و نوشته او را با تمام طول و تفصیل، به زیاله دانی انداخت. انگلیس ها هرگز در طول تاریخ دست از توطئه نکشیده اند و قتل گاندی نیز یک دسیسه انگلیس بود و به دستور انگلیس و توسط یک فرد "برهمن" بنام "ناتورام وینایاک گادز" صورت گرفت که مربوط به حزب دست راستی متعصب بوده که هدف اساسی آن ریختن خون بود و...، (کتاب مهاتما گاندی و پیروان راه او) اثر "دمهتا" ترجمه "محمود عنایت" و هدف انگلیس ها قبل از خروج از هندوستان نیز چنان بود که خونریزی توسط هندی ها آغاز شود تا آنها دلائل مقنع جهت خونریزی و کشتار داشته باشند، چون با مقاومت آرام و سیاست عدم خشونت گاندی و پیروان

راه گاندی، قتل و کشتار اتباع و مردم عام و بی گناه و بی دفاع هندوستان توسط عساکر متجاوز خود را توجیه کرده نمی توانستند...

این مختصر به همین قسمت رسیده بود که قسمت سیزدهم و آخر همین نوشته متذکره انتشار یافته است و صرف در همین قسمت آخر و در اخیر صفحه آخر (۵) منبع و مأخذ آن تذکر داده شده است و اصلاحات فارسی ایران به دری افغانستان هرگز در آن صورت نگرفته است و این در حالی است که هموطن ما جناب "شیر ساپی" تذکر داده اند که «تلخیص و همسانی: انجنیر شیر ساپی»، تلخیص شاید بصورت باید و شاید صورت گرفته باشد، اما همسانی را چه بدانم؟

یک قسمت مختصر از همان کتاب متذکره در مورد شخصیت "مهاتما گاندی" را جهت وضاحت بیشتر اینجا می آورم تا خوانندگان محترم خود با وجدان بیدار و فارغ از تعصبات مذهبی به قضاوت بنشینند که چگونه می شود قتل "گاندی" را "انقلابی" عنوان کرد.

"... میز تحریر او محسوب میگردید. یک کاغذگیر سردستی، یک یادداشت، قلمدانی چوبین و دست ساخته با سه یا چهار قلم قدیمی (شاید مقصد نویسنده کهنه و استفاده شده بوده باشد) در آن، یک قط زن (؟) اسقاط، شیشه جوهر (رنگ قلم)، و سه یا چهار سنگ براق و صیقلی که برای نگهداری کاغذ ها بکار میرفت، روی میز قرار داشت. روی طاقچه ای که نزدیک او بود چند جلد کتاب وجود داشت: بهاگوات گیتا، قرآن، کتابهای مقدس (تورات و انجیل)، یک لغت نامه انگلیسی... صفحات ۲۵ و ۲۶ همان کتاب.

و اما چرا به یکبارگی از روسیه و جنایات بی حد و حصر آنان به گاندی و جنگ مسلمان و هندو و هند و پاکستان کشانیده شدم؟!

یگانه دلیل و علت آن فقط و فقط این تواند بود که یک تعداد از هموطنان شریف و با احساس خود را در حد توان اندک خود، متوجه سازم که یا خود چیزی بنویسند و تجزیه و تحلیل کنند و تفسیر و خبر و گزارش بنویسند، یا هیچ ننویسند و از خیر کاپی کردن از سایت ها و در نتیجه سرقت ادبی، باوجود تذکر منبع و مأخذ آن و...، خودداری ورزیده بر ما منت گزارند. و نیز مسئولین سایت ها وظیفه اخلاقی و مطبوعاتی دارند تا آنچه را که به نشر می سپارند، از نظر دقیق خودها گذشتانده و متیقن شوند که نوشته یا تحلیل یا مضمون، کاپی نبوده و نیز در پی اصلاح اغلاط املائی و انشائی برآمده و اصطلاحات آخندی فارسی ایران را به دری افغانستان تبدیل نمایند تا موجب کجراه روی جوانان افغان نگردند و اگر مشکلی با نوشته های کاپی شده از منابع دیگر ندارند، لاقلاً در آغاز یا انجام هر فصل چنان نوشته ها، منبع، مأخذ و نویسنده آنرا معرفی دارند و بار مسئولیت سنگین آنها

را از شانه های خویش برداشته و بر خوانندگان منت گذارند. از نظر این کمترین در چنان مواردی بهتر خواهد بود تا لینک آنها گذاشته شود تا هم لعل به دست آید و هم یار نرنجد.

هدف از آغاز این مبحث، صرف مقابله با سیاست های جنگ طلبانه و تفرقه جویانه روس و انگلیس و گماشتگان رنگارنگ آنها بوده و مقابله با جنگ طلبی و ضد جنگ است که بیشتر از نیم دنیا را به آتش کشیده است و میکشد هنوز و در حد توان ناچیز این کمترین، اینگونه نوشته ها که مرتبط باشند به جنگ و جنگ افروزی و جنگ طلبی و...، در صورت ضرورت ادامه خواهند یافت.

یار زنده و صحبت باقی...

* به این عکس یادگاری عساکر متجاوز روس اگر دقیق شویم، دستان همه قربانیان توسط ریسمان در عقب شان بسته گردیده و بعد هم گلوله باران گردیده اند. (جنایت جنگی)